نکته تاریخی

۵ پروژه ریلی ایران پیش از سال ۱۳۰۰!

مجتبی سادات لاریجانی – برخی از مردم گمان می کنند که نخستین خط ریلی ایران، در زمان پهلوی اول احداث شد. این انتساب البته اما و اگرهایی دارد که نباید از نظر دور بداریم. بررسی دقیق‌تر اسناد تاریخی نشان می‌دهد که حدودیک قرن قبل از انقراض قاجاریه، دست‌کم پنج خط آهن، منطبق با نیاز اقتصادی آن زمان، با سرمایه گذاری بخش خصوصی داخلی و خارجی، ایجاد شده بود که در ادامه به آن ها اشاره می کنیم:

یکم: در سال ۱۲۲۷ هـ.ش، نخستین خط آهن ایران بین بندر انزلی و پیر بازار ایجاد شد که ۱۲ کیلومتر از آن تا اواسط دوران پهلوی اول فعالیت داشت و لکوموتیو آن، با سال ساخت ۱۸۴۸ میلادی، هم اکنون در محوطه سازمان بنادر بندر انزلی قرار دارد.

دوم: خط آهن در حد فاصل محمودآباد و آمل، در سال ۱۲۶۵ هـ.ش، توسط شرکتی بلژیکی احداث شد و قرار بر این بود که تا تهران ادامه پیدا کند، اما بنا به دلایلی، از جمله اختلاف بین دولت و پیمانکار، ناتمام ماند.

سوم: خط آهن تهران – شهر ری، به عنوان سومین پروژه ریلی کشور، در سال ۱۲۶۷ هـ.ش ساخته شد. این خط آهن حدود ۹ کیلومتر طول داشت و به دلیل قرار گرفتن در محدوده پایتخت، بیشتر از پروژه های ریلی دیگر شهرت پیدا کرد. قطاری که در این خط ریلی حرکت می کرد، در افواه مردم به «ماشین دودی» شهرت داشت.

چهارم: پروژه ریلی خط آهن جلفا–تبریز که در سال ۱۲۹۱ هـ.ش تأسیس شد و به بهره برداری رسید.

پنجم: خط آهن زاهدان – میرجاوه که در سال ۱۲۹۹ هـ.ش، توسط انگلیسی ها احداث شد و اصولاً امتداد خط آهن هند به ایران بود.

بازیگران تاریخ

ناگفته‌هایی درباره تولوزان پزشک ناصرالدین شاه

طبیب قبله عالم، دلال کمپانی رژی!

دکتر ژوزف دزیره تولوزان، در سال ۱۸۲۰ میلادی، در جزیره دیگو گارسیا، از مجمع‌الجزایر «چاگوس»، واقع در اقیانوس هند که از مستعمرات فرانسه بود، به دنیا آمد. به گزارش مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، او دکترای خود را در رشته پزشکی، در سال ۱۸۵۷ از دانشکده طب پاریس گرفت. دکتر تولوزان در آوریل ۱۸۵۸، طبق قراردادی که میان دولت فرانسه و سفیر کبیر ایران، منعقد شده بود، به عنوان طبیب اول ناصرالدین‌شاه به ایران آمد و در مدرسه دارالفنون نیز، به تدریس پرداخت و با توجه به سمتی که برعهده داشت، کناره‌گیری‌اش از سیاست، غیرممکن بود. هنوز چندی از حضور تولوزان در ایران نگذشته بود که ناصرالدین شاه نظر او را درباره تشکیلات میرزا ملکم خان، موسوم به «فراموشخانه» جویا شد و دکتر تولوزان، مخرب بودن این تشکیلات را تایید کرد. در سفر دوم ناصرالدین شاه به فرنگ، در سال ۱۲۹۵ هـ.ق، تولوزان به نفع دولت متبوع خود دست به فعالیت‌هایی زد و سعی کرد که شاه را برای دادن امتیاز احداث سد اهواز و بهره‌برداری از معادن و جنگل‌های جنوب به فرانسوی‌ها، راضی کند، اما موفق نشد. با این حال، تولوزان تنها در زمینه منافع کشور خود تلاش نمی کرد؛ فرزند رویتر که برای دریافت طلب پدرش بابت فسخ قرارداد معروف «رویتر» و بنا به توصیه میرزا ملکم خان به ایران آمده بود، دکتر تولوزان را برای جلب نظر شاه برگزید و با پرداخت مبالغ هنگفتی به‌وی، نامه‌های خود را به دست ناصرالدین شاه رساند و به این ترتیب، امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی را گرفت. تولوزان در انعقاد قرارداد «رژی» (توتون و تنباکو) نیز، نقش داشت.

زندگی عجیب «شاهزاده سرخ»

چرا «مریم فیروز»، اشراف‌زادگی را رها کرد، همسر کیانوری شد و به دکتر فاطمی پناه داد؟

جواد نوائیان رودسری– در میان فرزندان عبدالحسین خان فرمانفرما، شازده نامدار قجری و نواده عباس‌میرزا، دو نفر بیش از دیگران به شهرت رسیدند؛ نصرت‌الدوله فیروز که از طرفداران رضاشاه بود و مزد این طرفداری را با قتل فجیعش در نزدیکی سمنان با اشاره پهلوی اول، دریافت کرد و مریم فیروز که سال‌ها پس از برادر زیست و به یکی از مشهورترین زنان تاریخ معاصر ایران تبدیل شد. مریم فیروز در سال ۱۲۹۲ هـ.ش به دنیا آمد؛ در کرمانشاه و درست هنگامی که سایه شوم جنگ جهانی بر سر ایران افتاده بود و حکومت مرکزی، عملاً وجود خارجی نداشت. پدرش عبدالحسین‌خان که آشکارا از سیاست بریتانیا حمایت می کرد، چند صباحی نخست وزیر شد؛ اما دولتش مستعجل بود و رقابت‌های پشت پرده و رغبت نداشتن احمدشاه به او، زود از معرکه بیرونش کرد. با این حال، خاندان فرمانفرما، هنوز هم بر خرِ مراد سوار بودند؛ عبدالحسین‌خان دیرزمانی والی کرمان بود و در این خطه برای خودش کیا و بیایی داشت. مریم، با آن سن کم، همه چیز را با دقت می دید و به هیچ چیز بی‌تفاوت نبود. شانس او فقط به زندگی در خانواده‌ای اشرافی محدود نمی‌شد؛ پدرش، عبدالحسین‌خان، به رغم نگاه مستبدانه‌اش، اعتقاد داشت که نسوان باید تحصیل کنند و از همین رو، برای دختر کوچکش، معلم سرخانه گرفت و او، تا پنجم ابتدایی را در منزل درس خواند. تا این که بعد از مهاجرت به تهران، سر از مدرسه ناموس و ژاندارک درآورد و در ردیف شاگردان صدیقه دولت‌آبادی قرار گرفت. ماحصل نشستن پای درس دولت‌آبادی، گرایش شدید مریم فیروز به تلاش در راستای برجسته کردن نقش زنان در جامعه بود.

■ خاطره یک طاعون

رضاشاه برای مریم فیروز حکم طاعون را داشت؛ طاعونی که به جان خانواده‌اش افتاد؛ اول برادرش را در نزدیکی سمنان به قتل رساندند و بعد، پدر را واداشتند اموال بسیاری را به نام پهلوی کنند تا کاری با او نداشته باشند. مریم در تمام سال‌های اقتدار پهلوی اول، رنج و سختی پدر و مادرش را دید و این مسئله روی نگاه او به شرایط سیاسی و نیز، دامن زدن به نفرتی که از پهلوی داشت، بسیار تأثیر گذار بود. سال ۱۳۱۰، در عنفوان جوانی و در حالی که علاقه فراوانی به مطالعه و دانش‌اندوزی داشت، وادارش کردند تا به ازدواجی کاملا سیاسی تن در دهد؛ عباسقلی‌خان اسفندیاری، رئیس مجلس رضاشاه که ۲۶ سال از مریم بزرگ‌تر بود، نخستین همسر او شد؛ شوهری که اصولاً نمی‌توانست زنی مانند مریم را با آن عقاید متجددانه تحمل کند. با این حال، ترس یا احترام مریم به پدرش، باعث شد که تا هنگام مرگ فرمانفرما، حرفی از طلاق نزند؛ اما بلافاصله بعد از فوت پدر، به زندگیِ مشترکش با اسفندیاری که مدت‌ها بود عملاً پایانش رقم خورده بود، خاتمه داد.

> رضاشاه برای مریم فیروز حکم طاعون را داشت؛ طاعونی که به جان خانواده‌اش افتاد؛ اول برادرش را در نزدیکی سمنان به قتل رساندند و بعد، پدر را واداشتند اموال بسیاری را به نام پهلوی کنند تا کاری با او نداشته باشند. این مسئله روی نگاه او به شرایط سیاسی و نیز، دامن زدن به نفرتی که از پهلوی داشت، بسیار تأثیر گذار بود

■ رزالوگزامبورگ ایران!

مریم فیروز از مدت‌ها قبل از مرگ پدر و طلاق گرفتن از همسر، سودای فعالیت سیاسی داشت. او از مدت‌ها قبل گرایش‌های سیاسی مارکسیستی پیدا کرده بود. برخی می‌خواهند این رویکرد مریم فیروز را به شوهر دومش، نورالدین کیانوری نسبت دهند؛ اما این ادعا از پایه بی‌اعتبار است. مریم مدت‌ها سعی کرد که به سلیمان میرزا اسکندری، از بنیان گذاران حزب توده و در واقع پدر معنوی مارکسیست‌های ایران بقبولاند که زنان هم می‌توانند به کمیته مرکزی حزب راه پیدا کنند، اما این تلاش‌ها بی‌فایده بود. مریم به برگزاری جلسات روشنفکری در خانه باغ بزرگش دست زد؛ بسیاری از روشنفکران آس و پاس تهران، آن روزها سر از خانه مریم فیروز در می‌آوردند و ساعت‌ها به بحث‌های داغ، اما بی پایان و بی‌حاصل روشنفکری می‌پرداختند. در تمام این مدت، مریم فیروز، بسان یک میزبان محترم، می‌نشست و حرف‌های صد من یک غاز آن ها را گوش می‌داد! با این حال، همین مراودات، در کنار شرایط خاص بعد از شهریور ۱۳۲۰، عزم مریم فیروز را برای ورود به سیاست جزم کرد و آشنایی و ازدواج با نورالدین کیانوری، جاده را برای خواسته‌های زنی جاه‌طلب چون او، گشود؛ شاید مریم می‌خواست رزا لوگزامبورگ ایران باشد! آشنایی‌اش با کیانوری، ظاهراً در همان محافل خانه باغ فرمانفرما رقم خورد، جایی که علاوه بر کیانوری، می‌شد ردپای صادق هدایت، عبدالحسین نوشین، بزرگ علوی، احمد قاسمی، فریدون توللی و حتی رهی معیری را هم پیدا کرد. با این حال، رشد و ترقی مریم فیروز در حزب توده، پیش از ازدواج با کیانوری آغاز شده بود؛ وقتی در تیرماه سال ۱۳۲۲، سلیمان‌میرزا اسکندری درگذشت، همزمان با برگزاری کنگره حزب توده، پنج زن، یعنی مریم فیروز، مریم صابری، زهرا بیات، زهرا اسکندری و عالیه شرمینی، به نمایندگی از جامعه نسوان در آن شرکت کردند. سال بعد، مریم فیروز با نورالدین کیانوری که چهار سال از او کوچک‌تر بود، ازدواج کرد؛ انگار قرار نبود دختر فرمانفرما، در مسیر همسریابی، خیلی متعارف عمل کند!

■ خیز برداشتن شاهزاده سرخ

حالا دیگر شمر هم جلودار مریم فیروز نبود؛ سخنرانی می کرد، مقاله می‌نوشت و در نشست‌های حزبی نظر می‌داد. آن‌قدر در پایتخت سروصدا به پا کرد که نشریات خارجی از او با عنوان «شاهزاده سرخ» یاد کردند. نشریه «بیداری ما»، ارگان سازمان زنان حزب توده بود که مریم در نوشتن مقالات آن، سهم عمده‌ای ایفا می کرد. او نقش مهمی در فعالیت‌های حزب توده داشت و در کنگره سال ۱۳۲۷، به عضویت کمیته ۱۶ نفره مشاوران درآمد. نفوذ اقتصادی و اجتماعی فامیل عریض و طویل فرمانفرما، برای مریم فیروز یک فرصت مغتنم محسوب می‌شد. پسرعمه‌اش، دکتر محمد مصدق، رهبر جبهه ملی شد و چون به ارتباطات خانوادگی اهمیت می‌داد، مریم می‌توانست به راحتی با او تماس داشته باشد و نقش پل میان حزب توده و مصدق را ایفا کند. اما پیش از آن و در بهمن سال ۱۳۲۷، پس از ترور محمدرضا پهلوی به وسیله ناصر فخرآرایی و غیر قانونی شدن فعالیت حزب توده، به دلیل نقش مؤثری که در اقدامات حزب داشت، ابتدا به حبس طویل‌المدت و سپس، حبس ابد محکوم شد. با این حال، او از ایران نگریخت و با توجه به خاندان قدرتمندش، توانست مخفیگاه‌های مناسبی برای خودش دست و پا کند. وقتی کیانوری در سال ۱۳۲۹ از زندان گریخت، به مریم پیوست و آن ها تا سال ۱۳۳۵، سه سال پس از کودتا، در ایران مخفیانه زندگی می کردند.

> مریم فیروز که روزی روزگاری دوست داشت یک آزادی‌خواه تمام‌عیار باشد، در کسوت یک نفوذی و با عنوان عضو ارشد حزب توده به ایران بازگشت. فعالیت‌های جاسوسی توده‌ای‌ها به بازداشت اعضای این حزب و از جمله مریم فیروز منجر شد

■ بانوی «آرسن لوپن»!

بعضی بر این باورند که حزب توده از جریان کودتای ۲۸ مرداد خبر داشت و در مورد اطلاع‌رسانی به مصدق مسامحه کرد؛ اما خود توده‌ای‌ها، اصرار دارند که موضوع کودتا را به مصدق اطلاع داده‌اند و ظاهراً این کار توسط مریم فیروز انجام شده است. مصدق به این اخطار توجه چندانی نکرد و زاهدی توانست نقشه بتای کودتا را روز ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ اجرا و دولت مصدق را ساقط کند. برخی از کارگزاران دولت ساقط شده، سخت مورد کینه دربار قرار داشتند، افرادی مانند دکتر حسین فاطمی. فاطمی جایی برای مخفی شدن نداشت. مریم فیروز بعدها نقل کرد که فاطمی را در حالی که به شدت ضعیف شده بود، به خانه او بردند. به این ترتیب، دختر عبدالحسین خان، مدتی پرستار دکتر فاطمی شد؛ اما بالاخره وزیر خارجه مصدق را پیدا کردند. چرا مریم فیروز بازداشت نشد؟ توضیحش زیاد سخت نیست؛ وابستگی خانوادگی او می‌توانست هر مشکلی را حل کند. مریم فیروز، مدتی بعد به همراه کیانوری، به شوروی گریخت و این، آغاز اروپانشینی او تا پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بود. طی سال‌های حضور در اروپا، مریم در دانشگاه لایپزیک دکترای زبان فرانسه گرفت و مدتی تدریس کرد. اما بخش عمده فعالیت‌های وی را، کارهای حزبی تشکیل می‌داد. مطالبی را برای رادیو پیک ایران، بلندگوی حزب توده که توسط شوروی شارژ مالی می‌شد، تهیه می کرد. او به تدریج، همان قدر به شوروی علاقه‌مند شد که شوهرش کیانوری. به این ترتیب، با پیروزی انقلاب اسلامی، مریم فیروز که روزی روزگاری دوست داشت یک آزادی‌خواه تمام عیار باشد، در کسوت یک نفوذی و با عنوان عضو ارشد حزب توده به ایران بازگشت. فعالیت‌های جاسوسی توده‌ای‌ها به بازداشت اعضای این حزب و از جمله مریم فیروز منجر شد. او بعد از گذراندن دوران حبس، بقیه عمرش را در تهران گذراند و در نهایت، روز ۲۲ اسفند سال ۱۳۸۶، در ۹۴ سالگی درگذشت و در آرامگاه خانوادگی فرمانفرمائیان مدفون شد.

تاریخ جهان

نازی‌ها در دوران «پسا هیتلری»

«حزب سوسیالیستی رایش» (SRP) آشکارا وفاداری به رایش را تحسین و تبلیغ می کرد و خواهان جمع شدن و وحدت میان زنان و مردان اصیل و واقعی آلمانی بود. به گزارش «تاریخ ایرانی»، زندگی‌نامه مؤسس این حزب نیز، در نوع خود جالب است. فریتز دورلس از سال ۱۹۲۹، عضویت در حزب نازی آلمان را در کارنامه خود داشت و به عنوان سرپرست ناحیه‌ای و مدرس در یکی از مدارس موسوم به «جبهه کار آلمانی»، به رژیم نازی خدمت کرده بود. دورلس، در سال ۱۹۴۹، همراه با یکی از هم‌قطارانش که خود را فرانتس ریشتر می‌نامید، در چارچوب ائتلاف انتخاباتی راست‌های محافظه‌کار، به «بوندس‌تاگ» (مجلس آلمان) راه یافت. اما برای نفر دوم، نه تنها قرار گرفتن در میان راست‌های محافظه‌کار یک پوشش و استتار محسوب می‌شد، بلکه نام وی نیز جعلی بود. فرانتس ریشتر، در واقع فریتز روسلر نام داشت و تا سال ۱۹۴۵، در بخش تبلیغات حزب نازی آلمان فعالیت می کرد. ریشتر یا همان روسلر، در سال ۱۹۵۰ به حزب سوسیالیستی رایش پیوست. در همان زمان، سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا، طی یک تحلیل و گزارش داخلی به این نتیجه رسیدند که حدود هفتاد درصد از حلقه رهبری این حزب قدرتمند و بیش از ده هزار تن از اعضای آن، سابقه عضویت در حزب نازی آلمان را دارند و بیش از نیمی از آنان، پیش از ماه مه ۱۹۳۳، به عضویت حزب متبوع هیتلر پذیرفته شده بودند. کارگزاران و سران حزب سوسیالیستی رایش، در مکاتبات خود چنان لحنی را به کار می گرفتند که گویی حزب نازی آلمان هنوز فعالیت دارد و هرگز منحل نشده است. این افراد در سخنرانی‌های علنی خود نیز، به هیچ عنوان جانب احتیاط را رعایت نمی کردند و نه تنها در سال‌های آخر دهه ۱۹۴۰، سیستم دولت بُن را به سخره می گرفتند، بلکه با تحقیر از دولت آلمان غربی، به عنوان ساکنان خانه سالمندان بُن، یاد می کردند. اجرای موسیقی و کنسرت در گردهمایی‌های حزب سوسیالیست رایش، بر عهده استاد موسیقی و سرپرست سابق بخش موسیقی حزب نازی بود. همکار او نیز، سازنده مارش‌های رایش سوم محسوب می شد که در کنگره‌های حزب در نورنبرگ مشهور شد. در همین زمان، نیروهای اشغالگر غربی که از آمادگی این حزب برای همنوایی با شوروی و آلمان شرقی علیه نیروهای غربی نگران بودند، برای انحلال حزب سوسیالیست رایش، دولت بُن را تحت فشار گذاشتند و از این دولت خواستند که تقاضای انحلال این حزب را به دادگاه قانون اساسی ارائه کند. به این ترتیب بود که این دادگاه در اکتبر سال ۱۹۵۲، به کار این حزب پایان داد و علت انحلال را بیش از هر چیز دیگر، پیروی حزب از ناسیونال سوسیالیسم هیتلری اعلام کرد.

صفحه آرایی
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان
سفارش می پذیرد
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com

قاب تاریخ

چوب و فلک؛ تنبیه دردناک دوره قاجار

یکی از روش‌های تنبیه در دوره قاجار که تا اواسط دوره پهلوی هم در برخی نقاط رواج داشت، استفاده از چوب و فَلَک بود. این که برای نخستین بار چه کسی چوب و فلک را اختراع کرد، دقیق معلوم نیست. اما می‌دانیم که نواختن شلاق به کف پا، برای محروم کردن فرد از قدرت راه رفتن، دیرزمانی در خاورمیانه رواج داشته و حکایت‌هایی درباره این شیوه در متون ادبی ما هم، نقل شده است. چوب و فلک در واقع دستگاه تنبیه کردن فرد خاطی بود؛ قطعه‌ای چوب قطور برای ثابت کردن پا روی آن و ممانعت از حرکت‌های ارادی و غیرارادی محکوم بدبخت که آن را فَلَک می‌نامیدند و تازیانه‌ای چوبی یا چرمی که از آن با عنوان چوب یاد می‌شد. طناب یا قطعه‌ای چرم محکم را به دو سر فلک می‌بستند و سپس آن را طوری دور پای محکوم می‌پیچیدند که واکنش‌های وی به درد، باعث باز شدن گره نشود. معمولاً در برخی از نقاط، به ویژه در مکتبخانه‌های قدیم، از ترکه انار به عنوان چوب و از شاخه گیلاس یا آلبالو به عنوان فَلَک استفاده می‌شد. نواختن چوب به پای محکوم، تا جایی که حکم‌کننده روا می‌دانست، ادامه پیدا می‌کرد. گاه ضربات سنگین چوب و ناوارد بودن ضارب، باعث شکستگی ناخن متهم و حتی کنده شدن آن می‌شد. از آن‌جا که کف پا، یکی از نقاط حساس بدن است، اثر جسمی و روحی چوب و فلک کردن، تا مدت‌ها باقی می‌ماند. در تصویر امروز، محکومی را می‌بینید که تعدادی از مأموران اواخر دوره قاجار، او را به جرمی نامعلوم به فلک بسته‌اند و قصد دارند با شلاق چرمی تنبیه‌اش کنند.

همکار گرامی
سرکار خانم دکتر سپیده الیاسی
ارتقای مرتبه ی علمی شما را به درجه ی
دانشیاری صمیمانه تبریک می گوییم .
هیئت علمی و کارکنان
دانشکده داروسازی مشهد

خراسان
پذیرش غیرحضوری آگهی‌های تبریک، تقدیر و تشکر
پذیرش تلفنی :
۳۷۰۰ ۹۹۹۹
پذیرش تلگرامی :
۰۹۱۵۴۷۱۱۳۰۰

آگهی مزایده
سازمان مدیریت حمل و نقل بار و مسافر شهرداری بجنورد در نظر دارد راهبری پارکینگ شهروند ۵ واقع در خیابان امام خمینی شرقی – میدان کارگر – جنب سربرستی بانک ملی را از طریق مزایده به متقاضیان واگذار نماید. لذا متقاضیان محترم می توانند با مراجعه به سازمان و دریافت اسناد مزایده و با رعایت موارد ذیل پیشنهادات خود را اعلام نمایند . مهلت دریافت اسناد : از تاریخ درج آگهی به مدت ۷ روز کاری می باشد .
مهلت تحویل اسناد : تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه ۱۳۹۸/۱۱/۰۲ می باشد .
محل دریافت و تحویل اسناد : دبیرخانه سازمان مدیریت حمل و نقل بار و مسافر شهرداری بجنورد واقع در خیابان سید جمال الدین اسد آبادی جنب معاونت فنی و امور زیربنایی شهرداری بجنورد
ضمنا سازمان در رد یک یا کلیه پیشنهادها مختار است .
سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه درج شده است .
متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۶ – ۰۵۸۳۲۲۴۷۲۵۵ تماس حاصل فرمایند.
حمیدرضا شافعی – سرپرست سازمان

(« آگهی دعوت به ارزیابی کیفی ») (مناقصه شماره ۲۰-۳۷-۹۸)
اداره کل راه آهن خراسان در نظر دارد بنابر آیین نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات نسبت به ارزیابی کیفی پیمانکاران واجد شرایط جهت شرکت در مناقصه ، ازطریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به نشانی www.setadiran.ir به شرح زیر اقدام نماید .
مناقصه گران می بایست در سامانه فوق (ستاد) ثبت نام و پس از اخذ گواهی امضاء الکترونیکی نسبت به دریافت اسناد از طریق سامانه مذکور اقدام نمایند.لازم به ذکراست کلیه مراحل برگزاری مناقصه ازفراخوان تا انتخاب برنده ازطریق سایت مزبورانجام می گردد.
تذکر : شرکت کنندگانی مجاز به خرید حضوری اسناد می باشند که قبلا در سامانه مذکور ثبت نام و اسناد را دانلود نموده اند . ۱ – نام سازمان مناقصه گزار : اداره کل راه آهن خراسان .
۲ – شرح مختصر موضوع مناقصه : نگهداری وترمیم فضای سبز و زیبا سازی اداره کل راه آهن خراسان
۳ – مهلت خرید اسناد ارزیابی : تا ساعت ۱۵:۳۰ روز یکشنبه مورخ ۹۸/۱۰/۲۹ ٤ – فراخوان ارزیابی کیفی فوق از طریق پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات http://iets.mporg.ir اطلاع رسانی می گردد.
۵ – مهلت و محل ارائه اسناد ارزیابی: تا ساعت ۱۵:۳۰ روز دوشنبه مورخ ۹۸/۱۱/۱٤ – چهارراه راه آهن ـ حوزه معاونت توسعه مدیریت و منابع ـ دبیرخانه اداره کل راه آهن خراسان . ۶ – مبلغ کل برآورد : ۲۵.۳۲۰.۳۸۶.۲۳۲ ریال بر اساس فهرست بهای خاص ترمیم و نگهداری فضای سبز سال ۹۸ .
۷ – مدت و محل اجرا : مدت اجرای قرارداد بمدت (دوازده /۱۲) ماه بوده و محل اجرا طبق اسناد مناقصه میباشد. ۸ – مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: مبلغ ۱.۲۶۶.۰۱۹.۳۱۲ (یک میلیارد و دویست و شصت و شش میلیون و نوزده هزار و سیصد و دوازده) ریال مطابق با تضامین معتبر مندرج در آیین نامه تضمین معاملات دولتی موضوع مصوبه شماره ۱۲۳٤۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۹٤/۰۹/۲۲ هیات محترم وزیران ، در صورت واریز نقد شماره حساب ۰۱۰۶٤۰۰۴۰۰۰۱۰۶٤۰۰۶۳۷۲۶۲٤ IR ۲۹۰۱۰۰۰۰٤۰۰۱۰۶٤۰۰۶۳۷۲۶۲٤ با شناسه واریز " ۹۸٤۲۸۰۵۰۰۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ "نزد بانک مرکزی اعلام می گردد . تذکر: به درخواست مناقصه گزار ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار لازم است به مدت سه ماه دیگر قابلیت تمدید داشته باشد.۹ – رشته و رتبه پیمانکار : داشتن حداقل رتبه ۷ خدمات فضای سبز از اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی الزامی می باشد و با توجه به گواهی صلاحیت در رشته و پایه مورد نیاز دارای ظرفیت آزاد لازم با توجه به مبلغ برآورد مناقصه باشند.تذکر ۱ : ارائه تصویر برابر با اصل شده گواهی صلاحیت الزامی می باشد . تذکر ۲ " ارائه گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی از وزارت تعاون ،کار و رفاه اجتماعی به موجب آیین نامه ایمنی امور پیمانکاری" مصوب ۸۹/۰۳/۰۵ وزیر تعاون ،کار و رفاه اجتماعی علی الخصوص ماده ۲ آن الزامی است.۱۰ – هزینه دو نوبت آگهی مناقصه بر عهده برنده مناقصه می باشد . پس از ارزیابی کیفی ، از مناقصه گران واجد شرایط که حداقل امتیاز لازم را کسب نموده باشند جهت دریافت اسناد مناقصه دعوت بعمل خواهدآمد.
اداره کل راه‌آهن خراسان